

استراتژی هجوم صادراتی

Export Push Strategy

دکتر محمود متوسلی

نگاهی به آمار مربوط به درآمدهای نفتی در کل درآمدهای ارزی سالانه، بی‌ثباتی و نوسان در این درآمدها در بیست سال اخیر، ساختار صنعتی کشور و رابطه آن با درآمدهای نفتی، وضعیت کشاورزی و صنایع تبدیلی در تأمین نیازهای مملکتی به کالاهای اساسی، بویژه با تخمین این نیازها در ده سال آینده، میزان ذخیره سرمایه و سرمایه‌گذارهای خصوصی و دولتی در مقایسه با حداقل اهداف تعیین شده رشد اقتصادی، ظرفیتهای موجود درخصوص تأمین کالاها و خدمات عمومی، شامل: انواع انرژی، حمل و نقل، آب، و سائل ارتباطی، خدمات پزشکی و درمانی و آموزشی در مقایسه با رشد جمعیت و افزایش این نیازها در قبال تحولات تکنولوژیک و تغییرات در الگوی مصرف، چگونگی شاخصهای ثبات اقتصادی در سطح کلان، و به طور کلی ظرفیت و توان تولید ملی در پاسخگویی به نیازهای مملکتی، تصویری از واقعیات مورد نظر درخصوص مسائل داخلی را

استقلال اقتصادی با مفهوم حاکمیت بر سرنوشت اقتصادی، یکی از اصول مهم آرمانی انقلاب شکوهمند اسلامی است. بنابراین هر نوع وابستگی اعم از وابستگی تکنولوژیکی و یا وابستگی در ابعاد تجاری، نظام جمهوری اسلامی را ضربه‌پذیر می‌نماید و «استراتژی بلندمدت امنیت ملی» باید آن گونه طراحی، تنظیم و به اجرا گذاشته شود که ضربه‌پذیریها را در حد ممکن کاهش داده و استحکام و پایداری نظام را تضمین نماید.

اهداف استراتژی امنیت ملی، دربرگیرنده هدفهای آرمانی و واقعیتهای داخلی و بین‌المللی است. اهداف آرمانی ما را اصول متعالی الهی، قانون اساسی و رهبری تعیین می‌نماید و واقعیتهای داخلی و بین‌المللی با شناخت علمی و واقعینانه از وضعیت و ساختار اقتصادی - سیاسی داخلی و نظام حاکم بر روابط اقتصادی - سیاسی بین‌المللی آشکار می‌شود.

منعکس می‌نمایند.

در بعد بین‌المللی، ارقام مربوط به سهم محصولات صنعتی، صادرات بدون نفت، درآمد ملی در اقتصاد منطقه و جایگاه کشور در اقتصاد جهانی، وابستگی به اقتصاد جهانی در خصوص تأمین کالاهای اساسی، میزان بدهیهای کشور، وابستگیهای تکنولوژیک کشور به جهان صنعتی، با توجه به ورود به عصر مبادلات الکترونیک، توانمندی سیاسی - نظامی کشور در منطقه و در سطح بین‌المللی، واقعیاتی از متغیرهای وابستگی بین‌المللی را روشن می‌سازند. به طور کلی نظام کنونی اقتصاد بین‌الملل در جبهه‌های مختلف و از طرق گوناگون، استقلال مالی و پولی، تکنولوژیکی، سیاستهای تجاری و حتی استقلال در سیاستهای کلان داخلی را مورد هجوم و سلطه قرار داده است؛ لذا، ضرورت دارد تا شناختی علمی از این واقعیات داشته و در تعیین سیاستها و طراحی استراتژی ملی به عنوان اصول مبنایی بر آنها تکیه کنیم.

لازم است تا بر این واقعیت تأکید کنیم که نظام کنونی بین‌المللی، براساس «نظام بازار آزاد» و تعادل و توازن نیروها نظم یافته است تا امیدوار باشیم که جریان مبادلات بین‌المللی اصل منافع متقابل در خصوص تجارت آزاد را تأمین و تضمین می‌نماید. تمامی شواهد موجود، این ذهنیت را القاء می‌کند که مبارزه‌ای علنی برای بسط و نفوذ هرچه بیشتر بر بازارها در جریان است. در این مبارزه هر کشور

می‌کوشد تا با حفظ و حراست از بازارهای داخلی خود از هجوم و نفوذ دیگران، سهم بیشتری از بازار جهانی را به تصرف خویش درآورد؛ به عبارت دیگر رفتار حداکثرسازی سود (profit maximization)، جای خود را به حداکثرسازی سهم بازار (market share max.) داده است که در بلندمدت البته سود حداکثر را نیز محقق می‌سازد.

کشورهای موفق جهان از جمله هشت کشور آسیای شرقی با شناخت، نسبت به واقعیات کنونی نظام حاکم بر اقتصاد بین‌الملل و ویژگیهای داخلی خود، «استراتژی مبارزه برای پیروزی حتمی» (contest based strategy) را در مقابل «استراتژی بازار» (market based strategy) برگزیده‌اند. قبول محوریت این استراتژی در رده‌های رهبری و تصمیم‌گیرندگان سیاسی اقتصادی، درحد استراتژی امنیت ملی، حدود و چارچوب سیاستهای کلان اقتصادی، توسعه تجاری و صنعتی را معین می‌نماید.

با عنایت به این مقدمه، آینده توسعه اقتصادی کشور و سرنوشت جامعه ما در گرو نظام تصمیم‌گیری کنونی ماست. نادیده گرفتن واقعیات داخلی و بین‌المللی فوق‌الذکر در یک استراتژی از پیش تعیین شده ملی، به معنی پذیرش بدون قید و شرط «حاکمیت وقایع» بر تصمیم‌گیریهای سیاسی - اقتصادی و قبول بحرانها، به جای حاکمیت بر وقایع در صحنه رقابتهای سیاسی - اقتصادی بین‌المللی است. رویارویی با بحران ارزی، تورم لجام‌گسیخته،

عدم توان در پرداخت دیون، عدم ثبات و استمرار در قوانین و مقررات تولیدی و تجاری، اجبار در وابستگی به درآمدهای بی ثبات و پرنوسان نفتی، مشکلات و تنگناهای شدید در ساختار تولید، همه گویای حاکمیت وقایع و حاصل طبیعی مدلی هستند که به آن خو گرفته و مورد عمل قرار داده‌ایم که این کار دستاوردی جز کم رنگ کردن تلاشهای مسئولین و تشدید بحرانها نخواهد داشت.

استراتژی جامع توسعه اقتصادی کشور، مجموعه سیاستهایی را دربر می‌گیرد که در یک برنامه زمانبندی شده، حاکمیت بر وقایع را تضمین نماید و امنیت و ثبات را که زمینه‌ساز حرکتی پویا و پایدار در توسعه اقتصادی است فراهم نماید. «هجمه صادراتی» (export push) کلید و محوریت استراتژی را تشکیل می‌دهد، با این تفسیر که «برون‌نگری» (outward oriented) و «درون‌نگری» (inward oriented) و یا توسعه صادرات (export development) و جایگزینی واردات (import substitution) خط‌مشیهای متضاد و اهداف از پیش تعیین شده‌ای نیستند، بلکه براساس ضرورتها ترکیب مطلوب آنها برای تحقق هدفهای آرمانی بالاتر مورد نظر قرار می‌گیرند.

توسعه صادرات، ایجاب می‌کند تا مسیر فرایند صادراتی از تولید تا رساندن کالا به دست متقاضیان خارجی مطابق با سلیقه آنها هموار گردد. کالاها و خدماتی که در لیست صادراتی

قرار می‌گیرند، در مرحله تولید تحت کنترل و هدایت شدید قرار می‌گیرند و از تسهیلات اعتباری، تأمین مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای، اطلاعات فنی، شرایط مطلوب نیروی کار و غیره برخوردار می‌گردند و در ساماندهی صادرات به مسائل حمل و نقل، بیمه، بازاریابی، گمرک، تشکلهای سازمان یافته صنفی، آموزشهای تخصصی و مبادلات الکترونیک پرداخته می‌شود. همراه با رفع موانع و ایجاد انگیزه‌های مثبت و محرک در توسعه صادرات، اقدامات تاکتیکی درخصوص حمایت از صنایع داخلی و افزایش ظرفیت و توانمندیهای داخلی در چهارچوب «جایگزینی واردات» اعمال می‌گردد، همان طوری که ضرورت هر مبارزه‌ای حمله و دفاع تاکتیکی را همزمان می‌طلبد.

مطالعه تجربه کشورهایی که موفقیت آنها را در گزینش استراتژی توسعه صادرات می‌دانند، نشان می‌دهد که همگی آنها به شیوه‌های مختلف، صنایع داخلی را تحت پوشش حمایتی شدید اما برنامه‌ریزی شده و مقطعی قرار داده‌اند، و هیچ‌کدام از کشورها با درهای باز به استقبال بازارهای جهانی نرفتند. تمامی محدودیتها و موانع داخلی و خارجی، عوامل «ضد مزیت» هستند، و هرگونه پیشرفت تکنولوژیک و یا دستاوردهای علمی و عملی در جریان تولید و تجارت توسط کشورهای رقیب، برای آنها خلق مزیت و برتری و برای ما می‌تواند «ضد مزیت» محسوب شود، بنابراین

انواع حمایتها و کمکهای فنی و مالی به شرکتهای داخلی با هدف پوشش برنامه‌ریزی شده ضد مزیتها و آفرینش مزیت‌های جدید، ضرورت بقاء و رشد در صحنه رقابت‌های بین‌المللی است. با این حال ضرورت دارد تا دو نکته در اعمال حمایتها مورد تاکید قرار گیرد:

۱ - حمایتها جهت پوشش نارسائیه‌ها و ضعفها و افزایش مزیت نسبی واحدهای تولیدی و تجاری داخلی تا مرز رقابت با واحدهای خارجی صورت می‌گیرد، لذا مقطعی بودن آنها و کاهش تدریجی و برنامه‌ریزی شده آنها ضرورتی انکارناپذیر است.

۲ - از آنجائی که هر نوع حمایتی، هزینه‌ای را برای اقتصاد ملی بویژه مصرف‌کنندگان داخلی، دارد و انحرافاتی را در قیمت‌ها و در نتیجه در تخصیص بهینه عوامل تولید به جای می‌گذارد، می‌بایستی زیانهای اجتماعی و فواید مستقیم و غیرمستقیم آنها به طور دقیق مورد محاسبه قرار گیرد و اصل تجزیه و تحلیل

هزینه - فایده (cost - benefit analysis) و حسابگری (accountability) مورد توجه قرار گیرد بنابراین تمامی تعرفه‌ها و سوبسیدها اگر براساس کارشناسی و در چارچوب اصل مزیت نسبی در زمان معین، صورت نگیرد و این حمایتها دائمی تلقی شود، عدم کارائی و پس رفت، نتیجه طبیعی چنین نظامی خواهد بود. درمقابل در صورتی که این اصول را در مورد بسیاری از صنایع، واحدهای کشاورزی بزرگ و واحدهای تجاری تحت پوشش به اجرا

بگذاریم، بسیاری از عدم کارائیه‌ها ظهور می‌یابند و اصلاحات ساختاری عظیمی ضرورت می‌یابد و نقطه عطفی در تحولات ساختار اقتصادی کشور رخ خواهد داد.

۳ - نفوذ و تسلط بر بازارها، شیوه‌ای مرسوم در نظام کنونی اقتصاد بین‌المللی است و شیوه‌های دامپینگ کالا، انحصارات چندجانبه، تباری در تقسیم بازارها، و یا حمایت‌های مستقیم سیاسی - اقتصادی دولتها از شرکتهای نمی‌تواند با سیاست‌های معمول تجاری متوقف گردد. سیاست‌های غیر رسمی و غیرتعرفه‌ای و اغلب نانوشته در کشورهای آسیای جنوب شرقی توانست از هجوم و تسلط نابرابر کشورهای رقیب بر بازار این کشورها جلوگیری نماید و تبلیغات شدید در خصوص مصرف تولیدات ملی و اعمال مجازات‌های تجاری نانوشته برای کسانی که به هر طریق کالاهای غیر ملی را تبلیغ نمایند، از شیوه‌های معمول در راستای تحقق هدف فوق بوده است.

ترکیب مطلوب حمایتها (شامل جایگزینی واردات) و هجوم صادرات با سازماندهی شرکتهای، تجار و صنعتگران و عاملین اصلی فعالیتهای مولد اقتصادی و رفع موانع و ایجاد تسهیلات در روند توسعه صادرات «استراتژی بلندمدت ملی» برای گذر از عقب‌افتادگی کنونی و بازیافت جایگاه واقعی جمهوری اسلامی ایران در صحنه رقابت‌های بین‌المللی است. یافتن ترکیب مطلوب از حمایت‌های در توسعه صادرات یک ضرورت انکارناپذیر است، همان

طوری که در هر مبارزه‌ای دفاع و حمله لازم و ملزوم یکدیگرند.

* در آغاز حرکت با توجه به نابرابری در توان تکنولوژیک، مدیریت و سازماندهی، حمایت‌های بیشتری ضرورت می‌یابد:

- سطح تعرفه‌های گمرکی ممکن است تا حد ممنوعیت کامل ورود برخی کالاها و خدمات اعمال گردد.

- ممکن است دولت‌ها نقش وسیعتری را در اجرا و تصدی فعالیت‌های اقتصادی، شامل: تاسیس زیرساختها، آموزش نیروی انسانی، راه‌اندازی پروژه‌های صنعتی پایه، تشکیل واحدها و شرکتهای عامل در توسعه تجاری، داشته باشند.

- ممکن است دولتمردان مجبور باشند تا نیرو و انرژی بیشتری را، با تدوین، تصویب و تضمین قوانین و مقررات خاص، صرف ثبات و امنیت اقتصادی و ایجاد فضای مساعد برای رونق یافتن فعالیت‌های اقتصادی بنمایند؛ درحالی که با استحکام پایه‌های اقتصادی در کشور، عاملین و واحدهای اقتصادی، باید در مصاف با رقبای خارجی، توانایی‌های بیشتری را از خود به ظهور برسانند و اتکای بیشتری به خود داشته باشند، بنابراین باز هم به حکم ضرورت:

- سطح تعرفه‌ها به تدریج کاهش می‌یابد
- دولت به جای تصدی و اجرا، نقش هدایت، ارشاد و کنترل را بیشتر اعمال می‌نماید
- ارزشها، نهادها، قوانین و مقررات لازم،

نهادینه می‌شوند و ثبات و استمرار آنها توسعه پویای اقتصادی را تضمین می‌نماید.

نگاهی به فرایند توسعه در کشورهای آسیائی، اگرچه به ظاهر، حرکت از استراتژی نگاه به درون به استراتژی نگاه به بیرون، را تداعی می‌کند، اما در واقع دو استراتژی به همراه یکدیگر، لیکن با درجه اهمیت متفاوت، اعمال شده‌اند.

امروز واقعیات کنونی نظام بین‌المللی اقتصادی، گروهبندیهای منطقه‌ای، پیشرفتهای سریع تکنولوژیک، حرکت سریع را برای حفظ موقعیت و داشتن جایگاهی مناسب و در شأن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در جامعه جهانی، گریزناپذیر می‌سازد. راه برای ورود به میدان عمل و «نیل به پیروزی حتمی»، علی‌رغم تمامی مشکلات و موانع، کاملاً باز و روشن است.

توجه و تأکید بر دو مؤلفه در نیل به هدف فوق بسیار با اهمیت است: اول، ثبات در شاخصهای کلان اقتصادی و دوم، محوریت «توسعه صادرات» در تمامی سیاستگذاریهای داخلی و خارجی.

۱ - حفظ تعادل و استمرار ثبات در شاخصهای کلان اقتصادی، شامل: تورم، کسر بودجه، تراز پرداختها، و نرخ ارز، آرامش و امنیت را بر فضای اقتصادی کشور حاکم می‌نماید. تعدیل اقتصادی معمولاً همراه با تورم است، اما اگر تورم از حد معینی بگذرد، انحرافات را در قیمت‌های نسبی به وجود

می‌آورد: به دلیل کنترل دولت بر سود سپرده‌های بانکی، نرخ سود واقعی منفی می‌شود (به عنوان مثال ۳۰ درصد تورم در مقابل ۱۵ درصد سود سپرده، نرخ منفی ۱۵ درصد را بر سپرده‌گذار تحمیل می‌نماید)، تمایل به پس‌انداز کاهش یافته، میل به مصرف آنی را افزایش می‌دهد و در نتیجه اثرات منفی بر سرمایه‌گذاری و ظرفیتهای تولیدی وارد می‌کند. تورم مستمر، میزان درآمدهای دولت از مالیات (نرخ ثابت مالیاتی) و عرضه خدمات عمومی (نرخ تقریباً ثابت آب و برق و غیره) و پس‌انداز عمومی را کاهش می‌دهد. تداوم تورم ساختار فعالیتهای اقتصادی را به سمت دلالی و بورس‌بازی و کسب منافع آنی، هدایت می‌کند و به طور کلی مدیریت سرمایه از سرمایه‌گذاریهای اساسی منحرف می‌شود و در نهایت، اینکه تورم بالا، اقشار کم درآمد و با حقوق ثابت را در تنگنا قرار می‌دهد و به همین دلیل اگر بازار نتواند با عرضه مناسب کالاها و خدمات قیمتها را در سطح معقولی مورد کنترل قرار دهد، دخالت دولت برای رفع نارسائیهای ضرورت می‌یابد و وزارت بازرگانی طرح تنظیم بازار را با مساعدت و همکاری مردم و اصناف به اجرا گذاشته تا یکی از شاخصهای ثبات را به نظم درآورد.

- موازنه بودجه، شاخص دیگر ثبات در سطح کلان اقتصادی است. انجام سرمایه‌گذاریهای وسیع در صنایع و زیرساختها در برنامه اول، به منظور جبران خسارات جنگ

تحمیلی و تکمیل ظرفیتهای اولیه برای شروع توسعه، کسری موازنه پرداختها و به دنبال آن افزایش حجم نقدینگی را به همراه داشت و این عاملی برای افزایش تورم محسوب می‌شد، لذا در برنامه دوم نیاز به سرمایه‌گذاریهای اساسی کاهش یافته و دولت موظف است، موازنه بودجه را رعایت نماید.

کسری در تراز پرداختها به دلایلی که ذکر شد در برنامه اول عمدتاً از طریق درآمدهای نفتی و انجام تعهدات ارزی پوشش داده شد و روند گذشته علی‌رغم ضرورت، پیامدهای زیانباری را در ابعاد مختلف به همراه داشت که بنابراین نقش ساختاری مهمی در روند گذشته را ایجاب می‌نمود.

* براساس برنامه دوم، دولت متعهد می‌شود که تا پایان برنامه میزان تعهدات خود را تا ۲۵ درصد نسبت به شروع برنامه کاهش دهد.

* مقام معظم رهبری قطع اتکاء به نفت و تکیه بر نیروهای عظیم انسانی را مورد توجه قرار می‌دهند که در برنامه دوم این اصل باید اساس تمام فعالیتهای باشد.

* توسعه صادرات غیرنفتی برای پاسخگویی به نیازهای ارزی، بازپرداخت بدهیهای خارجی و موتور حرکت تمامی فعالیتهای مولد اقتصادی توجیه کامل سیاسی، اقتصادی و حیثیتی می‌یابد.

آخرین شاخص کلان مورد بحث ما «نرخ ارز» است. اعمال سیاست آزادی تجاری، سرمایه‌گذاریهای زیربنایی دیر بازده، تک‌نرخ

کردن ارز، همگی عدم تعادل‌هایی را در حجم نقدینگی در مقابل توان عرضه کالاها به وجود آورد و در یک بعد، نتایج آن در کاهش ارزش پول و افزایش نرخ ارز، ظاهر گردید. تک‌نرخ‌ی کردن اقدامی لازم برای جلوگیری از انحرافات در قیمت‌ها و ائتلاف منابع بود، با این فرض که با تصحیح قیمت‌ها، تخصیص بهینه عوامل صورت گرفته و ساختار تولیدی کشور روندی سازنده را در پیش خواهد گرفت. عوامل غیراقتصادی، به همراه عوامل اقتصادی، نرخ ارز را از روند تعادلی خارج نمود. در این زمان به منظور کاهش نیازهای ارزی، سیاست تحدید واردات اعمال گردید و نرخ ارز در سطح کنونی تثبیت شد. ادامه این ثبات در درازمدت در صورتی ممکن می‌گردد، که رشد سریع صادرات غیرنفتی نیازهای ارزی غیرقابل‌گریز کشور، شامل: کالاهای اساسی، کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه را پوشش دهد. کارشناسان و خبرگان در امر توسعه صادرات، نرخ ارز ثابت را مطلوب می‌دانند و حتی افزایش نرخ ارز را که در کوتاه مدت منافی با آورده حاصل می‌نماید را نامطلوب دانسته و موجب اختلال در برنامه‌ریزیهای صادراتی خود محسوب می‌کنند. ما اعتقاد داریم که تداوم سیاست «واردات در مقابل صادرات» در یک روند درازمدت تعدیل و تعادل لازم را در نرخ ارز به وجود می‌آورد و در پی آن هستیم تا پس از رفع برخی از ضرورتها مجدداً این سیاست به اجرا گذاشته شود. به علاوه، اعمال سیاست تحدید

واردات نمی‌بایستی کوچکترین وقفه یا مانعی را در برابر واردات «مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای» مورد نیاز صادرات در هر شرایطی به وجود آورد. محوریت توسعه صادرات در عمل، تسهیل در ورود مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای را طلب می‌کند، حتی اگر لازم باشد ورود کالاهای ساخته شده مطلقاً ممنوع گردد، همچنان که وزارت بازرگانی قبل از آن ورود بیش از یک هزار و پانصد قلم کالاهای غیرضروری را ممنوع نموده بود.

۲ - مولفه دوم، محوریت توسعه صادرات است. ثبات در شاخصهای کلان اقتصادی، بویژه «نرخ ارز» یک ضرورت برای «برنامه جامع توسعه صادرات» و برای تک تک عاملین صادرات می‌باشد. توسعه صادرات و هدف ۱۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی در پایان برنامه را با این فرض شروع کرده‌ایم که راهی ناهموار، همراه با موانع و مشکلات بسیار در پیش روی داریم. ساختار تجاری کشور از تأسیسات بنادر، کشتیرانی، حمل و نقل داخلی، انبارها، سردخانه‌ها تا موسسات و نهادهای پولی و مالی و نهادهای مراکز تجاری و نیروهای تخصصی در امر تجارت همه ساختار وارداتی دارند، و مسئولین ستادی و مدیران کل استانها در تمامی بخشها باید این آمادگی را در خود به وجود آورند که این ساختار را با تلاش بی‌وقفه دگرگون نمایند و هیچ‌کدام از این موانع نمی‌توانند سد راه حرکت سازنده ما باشند. این مسئولیت و وظیفه ماست که موانع را رفع

نموده و با ایجاد انگیزه‌ها و محرک‌های ابتکاری به سرعت و پویائی این حرکت بیفزائیم. هر اقدام و فعالیتی که اصل مشارکت مردمی و همکاری مستقیم دولت - مردم را دربر داشته باشد نصرت و پیروزی را به همراه خواهد داشت.

روش شناخته شده و موفقی که می‌تواند راهنمای مدیران توسعه صادرات قرار گیرد، بهره‌گیری از اصل «رقابت و همکاری» است که سه جزء ذیل را شامل می‌شود:

- پاداشها و انگیزه‌های محرک
- قوانین و مقررات
- ارزیابی و داوری

پاداشها و انگیزه‌ها باید درخصوص کالاها و بخشهای مختلف صادراتی با توجه به بهبود در کیفیت، افزایش در کارآئی و نرخ رشد کمی صادرات آنها تعیین گردد و گستره این پاداشها در حدی باشد که طیف وسیعی از عاملین پر انرژی و با تحرک را به میدان رقابت وارد نماید. قوانین و مقررات، برای عاملین تشریح شود و آموزشهای لازم صورت گیرد، به طوری که هر صادرکننده نتیجه عملکرد خود را در گرفتن پاداش و یا محروم شدن از مساعدتها بداند. رکن سوم، بیطرفی در ارزیابی و داوری است که در صورت اعمال دقیق آن همانند مبارزه تیمهای ورزشی به سرعت پیشگامان و افراد پرتلاش را در راس مبارزین ملی قرار می‌دهد.

حدود رقابت و همکاری می‌بایستی توسط اتحادیه‌ها و مجامع صادراتی با هماهنگی

شوراهای بخشی و در چارچوب اصول تعیین شده از طریق شورای عالی صادرات تعیین گردد.

اصل رقابت با کاهش در هزینه‌ها، بهبود کیفیت و افزایش کارائی، مزیت‌های نسبی جدیدی را برای کشور می‌آفریند و همکاریهای جمعی، بسیاری از صرفه‌های خارجی را درخصوص تحقیقات، جمع‌آوری اطلاعات، انتقال تکنولوژی، و توسعه صنایع مادر و صنایع تکمیلی برای بخشهای مختلف فراهم می‌نماید. اگر این همکاریها سازمان‌یافته صورت گیرند، صادرات عمده کشور به چند کالا و چند منطقه و کشور خاص محدود نمی‌شود و اگر این همکاریها در میان رشته‌های خاص صادراتی به وجود آید، کاهش قیمت کالاهائی چون: زعفران و فرش در بازارهای جهانی مشاهده نمی‌گردد و یا اشباع کالا و رقابت غیر ضروری و بی‌حاصل و به نفع تجار خارجی صورت نمی‌گیرد.

امتیاز اعتبارات ریالی و ارزی، تخفیفهای مالیاتی و جوائز و سوبسیدهای مختلف، می‌بایستی در ارتباط با نرخ رشد کمی در توسعه صادرات قرار گیرد و این تفکر بر تمام بخشهای اقتصادی از تولید تا خدمات صادراتی و صادرات خدمات و صادرات کالاها حاکمیت یابد.

در صورتی که «محوریت توسعه صادرات» به عنوان موتور محرک صنایع داخلی، ایجادکننده اشتغال، عاملی برای توانمند کردن

تولیدکننده داخلی از طریق رقابت با بازار خارجی، افزایش دهنده کارائی، خلق برتریهای نسبی، فراهم کننده صرفه های تولید در مقیاسی وسیع، تهییج کننده احساسات ملی در جهت مصرف کالاها داخلی و پرهیز از نفوذ کالا و فرهنگ خارجی، کانالی برای انتقال تکنولوژی و روشهای نوین مدیریت، شناخته شود و این تفکر توسط اندیشمندان در سطحی فراگیر اشاعه یابد، در آن صورت تمام بخشها و از جمله بازرگانی، اقتصاد و دارائی و بانک مرکزی و تمامی بخشهای تولیدی، سیاستهای خود را در راستای این هدف تنظیم خواهند کرد.

موفقیت حتمی ما در توسعه اقتصادی در فضا و نظم کنونی حاکم بر جهان، در گرو بسیج تمامی نیروها برای یک «هجوم صادراتی» و یا «EXPORT - PUSH» است و در این راه:

- * توسعه فرهنگ صادراتی و تدوین و تضمین حقوق مالکیت افراد داخلی و سرمایه گذاران خارجی زمینه فعالیت را هموار می سازد.
- * کنترل شاخصهای کلان اقتصادی امنیت و ثبات را فراهم می نماید.
- * تشکیل مجتمعهای تجاری در کشورهای همسایه و مراکز مهم تجاری جهان، امکانات بازاریابی، اطلاع رسانی و انتقال تکنولوژی صادراتی را تسهیل می نماید.
- * تجهیز حمل و نقل، بندرگاهها، بیمه، گمرک

و خدمات بانکی موانع را از سر راه صادرات برمی دارد.

- * قوانین و مقررات صادرات و واردات، حقوق گمرکی و سود بازرگانی با هدف توسعه صادرات تدوین می شود و جریان مستمر مواد اولیه و کالاها، سرمایه مورد نیاز صادرات را تضمین می نماید و همزمان از نفوذ و تسلط رقیبهای خارجی جلوگیری می نماید.
- * تشکیل شرکتهای صادراتی، قدرت رقابت صادرکنندگان داخلی را بالا می برد و بازار خارجی را نظم داده، از رقابتهای بی حاصل صادرکنندگان با یکدیگر در بازارهای خارجی می کاهد.
- * تخصیص اعتبارات ریالی و ارزی با شاخص قراردادان موفقیتهای صادرکنندگان، صورت می گیرد.
- * تخفیفهای مالیاتی و سایر سوبسیدهای مستقیم و غیرمستقیم به کمک و یاری تولیدات ملی، و صادرکنندگان تولیدات ملی وارد میدان می گردند.
- * فضا برای سرمایه گذاریهای خارجی، در صورتی که جهت های صادراتی را درپیش بگیرند آماده می شود.
- * در چارچوب برنامه جامعی که برخی از عناوین آن ذکر شد توسعه کلان اقتصادی از طریق «هجوم صادراتی» محقق خواهد شد.